

تقابل های دوگانه در شعر مهدوی عصر قاجار (براساس تذکره انجمن قدس)*

جمیله زارعی^۱

نجمه نظری^۲

چکیده

شعر مهدوی از زیرمجموعه های شعر آیینی و ولایی به شمار می رود و مضامینی چون انتظار موعود، غیبت، ظهور و حکومت جهانی موعود را در بر می گیرد. برقراری عدالت پس از فراگیر شدن بی عدالتی در دوره غیبت از بارزترین مضامین شعر انتظار به شمار می رود؛ چنان که تقابل دوگانه داد و بیداد را به عنوان یک مشخصه سبکی در شعر انتظار می توان بررسی کرد. تقابل های دوگانه یکی از مهم ترین رویکردهای ساختارگرایی و اصطلاحی کلیدی در نظام زبان شناسی است که در فهم معنا و نظام تفکر انسان و اندیشه حاکم بر اثر، نقشی بنیادین ایفا می کند. مقاله حاضر به بررسی تقابل های دوگانه در شعر مهدوی دوره قاجار پرداخته است. اشعار مورد بررسی از تذکره انجمن قدس (مجموعه اشعار در مدح حضرت مهدی علیه السلام) انتخاب شده اند. تأملی در سروده های بیست شاعر عصر قاجار نشان می دهد که تقابل به عنوان یک مشخصه سبکی در این سروده ها قابل ردیابی است. در پژوهش حاضر، ۶۸۵ تقابل مورد بررسی قرار گرفته که ۴۶/۷ درصد (مورد) از نوع واژگانی، ۱۵/۰۳ درصد (مورد) از نوع معنایی و ۳۸/۲ درصد (مورد) از نوع ادبی است. توجه به مسائل دینی و اخلاقی، تأثیر محیط سیاسی اجتماعی عصر، کارکرد زیبایی شناسی و پرداختن به آرمان شهر مهدوی از مهم ترین عوامل توجه به تقابل ها در شعر این دوره است.

واژگان کلیدی

تقابل های دوگانه، شعر مهدوی، منجی موعود، دوره قاجار، انجمن قدس.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۳

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینای همدان، ایران (zare_i_350@yahoo.com).

۲. دانشیار دانشگاه بوعلی سینای همدان، ایران (نویسنده مسئول) (najmenazari@gmail.com).

ذهن آدمی از دیرباز به ساخت و کشف اشیاء، مفاهیم و باورهای متقابل گرایش داشته و در واقع از این طریق در پی تعریف و اعتبار بخشیدن به واقعیات و هم چنین ساخته‌های ذهنی خود بوده است. روز با شب و روشنی با تاریکی در عالم هستی وجود داشته و انسان تضاد و تقابل آنها را کشف کرده، اما مفاهیمی نظیر خیر و شر را بر اساس سود و زیان خود تعریف کرده است؛ هرچند با تکامل ذهنی، سود و زیان از جنبه شخصی خارج شده و جنبه عمومی به خود گرفته و حتی قاعده مند شده و به عنوان اصلی اخلاقی پذیرفته شده است. حتی مسئله ذهنیت نیز که به مفاهیم مربوط می‌شود با عینیت که با اشیاء و واقعیت موجود پیوند دارد، در تقابل است.

لوی اشتراوس تقابل‌های دوگانه را مهم‌ترین کارکرد ذهن جمعی بشر می‌داند. به نظر وی نیاکان و اجداد اساطیری ما چون از دانش کافی برخوردار نبودند، برای درک و شناخت جهان پیرامون خود دست به خلق تقابل‌های دوگانه می‌زدند. از این رو ساختار تفکر انسان بر روی تقابل‌های دوگانه مثل خوب / بد، مقدس / غیرمقدس و... بنا شده است. (برتنس، ۱۳۸۴: ۷۷)

تقابل دوگانه از قرار گرفتن هر عنصر، نشانه یا مفهوم در برابر ضد خود پدید می‌آید و در عالم طبیعت، ذهن و زبان انسان‌ها، باورها و عقاید مردمان، اخلاقیات و غیره به چشم می‌خورد؛ چنان که در بیشتر ادیان، تقابل الهی ≠ شیطانی، نیکی ≠ بدی، نور ≠ تاریکی و غیره دیده می‌شود. علاوه بر این، در زمینه‌های مختلف اخلاقی (صداقت ≠ نازاستی)، اجتماعی (فردست ≠ فرودست)، سیاسی (خودمحوری ≠ مردم‌سالاری)، اقتصادی (ثروت ≠ فقر) و حتی برخی نشانه‌های قراردادی (چراغ سبز ≠ قرمز) وجود دارد.

تقابل دوگانه در آرمانشهر مهدوی نمود برجسته‌ای دارد؛ چرا که اساس آن بر تقابل اوضاع نابه‌سامان با وضعیت مطلوب و آرمانی یا به عبارت دیگر، بر تقابل عدالت با بی‌عدالتی استوار است. در این مورد، مسئله تنها به تقابل و تضاد منحصر نمی‌شود؛ بلکه گاه با ارزش‌گذاری همراه است و یکی از دو سوی تقابل، برتر از سوی دیگر معرفی می‌شود. طبیعی است که در آرمانشهر مهدوی، عدالت بر بی‌عدالتی تفوق دارد.

مهدویت، مفاهیمی نظیر منجی موعود، انتظار، ظهور و غیره را در برمی‌گیرد که در شعر فارسی نیز انعکاس یافته است و با عنوان «شعر مهدوی» یا «شعر انتظار» شناخته می‌شود.

شعر مهدوی و انتظار، خاص شیعه است، ولی با توجه به این‌که مسئله تقابل‌های دوگانه اندیشه‌ای فراگیر نزد همه انسان‌هاست، شاعران غیرشیعی نیز آن را دستاویز مضمون‌پردازی شاعرانه قرار داده‌اند. «مسئله مهدویت از دیرباز در شعر فارسی مطرح بوده و شعرای فارسی‌زبان، گاه به صورت کنایی و غیرمستقیم و گاه به شکل روشن و آشکار از مهدی موعود علیه السلام یاد کرده‌اند. در سده‌های آغازین هجری از نام مقدس مهدی بیشتر به عنوان يك نماد تاریخی استفاده می‌شده؛ نمادی که یادآور صلح و آرامش، قسط و عدل، پیروزی، جهان شمولی اسلام و نابودی کفر جهانی است.» (مجاهدی، ۱۳۸۴: ۶۳)

برهمن اساس، منجی و مصلح موعود به شعردرباری فارسی راه یافته و غالباً برای توصیف عدالت و دادگستری ممدوح، مورد استفاده قرار گرفته است. عنصری بلخی، سیاست ممدوح را نشانه مهدوی بودن می‌داند و می‌گوید:

سیاست توبه گیتی علامت مهدیست

کجا سیاست تو، نیست فتنه دجال

(عنصری، ۱۳۴۲: ۱۶۷)

نکته قابل توجه آن‌که عنصری، خاقانی و شاعران دیگری نظیر قطران تبریزی، مسعود سعد، ابوالفرج رونی و انوری مدیحه‌پردازان اهل تسنن هستند که در اشعار خود از مهدی نام برده‌اند و البته هم‌چنان‌که گفته شد، در اغلب این اشعار به معنای نمادین نام مهدی توجه شده است.

با رسمیت یافتن تشیع و توأم با آن، کم‌اعتنایی صفویه به شعر مدحی و درباری، نوع دیگری از شعر در زبان فارسی رواج یافت که با عنوان «آیینی» شناخته می‌شود. شعر آیینی محتوای مذهبی دارد و اغلب به مناقب ائمه علیهم السلام می‌پردازد. این نوع شعر پیش از صفویه به مضامینی هم‌چون سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، مناقب امام علی علیه السلام و یادکرد عاشورا محدود بود؛ ولی پس از روی کار آمدن صفویان، گستره آن وسیع‌تر شد. «حکومت صفوی، خود را برپادارنده آیین اهل بیت علیهم السلام می‌دانست؛ ازین رو سعی بر تقویت و رواج آن داشت. زمینه‌های مساعد این دوره، نقش به‌سزایی در تقویت شعر آیینی ایفا کرد. با حضور نادرشاه، شعر مذهبی بار دیگر به انزوا گرائید؛ اما با روی کار آمدن حکومت زندیه، اقبال به سرودن شعر مذهبی مجدداً گسترش یافت و از روزگار مشروطه به بعد، پایگاه

قدرتمندی نزد شاعران و علاقه‌مندان پیدا کرد.» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۸)

شعر دوره قاجار با عنوان کلی «بازگشت» شناخته می‌شود که مبتنی بر تقلید و تکرار است. اشعار دینی این دوره نیز از این قاعده کلی برکنار نیست. با این همه، در مقاله حاضر کوشیده‌ایم تقابل‌های دوگانه را - که مقوله‌ای ساختاری به شمار می‌رود - در شعر مهدوی دوره قاجار بررسی کنیم. مطالعه این مقوله از دو حیث اهمیت و ضرورت دارد: نخست آن که نشان می‌دهد تقابل‌های دوگانه در شعرانتظار عصر قاجار چه بازتاب و بسامدی دارد، دوم این که میزان تقلید شاعران این عصر را از گذشتگان تبیین خواهد نمود؛ بدین معنا که مشخص خواهد شد شاعران تنها به تقلید محتوا پرداخته‌اند یا از نظر ساختاری نیز شعرشان تکراری است.

گذشته از این موارد، می‌توان مقصود ضمنی دیگری نیز داشت. همان‌طور که از تقابل عدل و بیداد در شعر عنصری و خاقانی می‌توان به معیارهای ممدوح آرمانی آنان دست یافت، از طریق تقابل‌های موجود در شعر عصر قاجار نیز معیار آرمان‌خواهی شاعران این دوره عیان خواهد شد. بین شاعران قاجار با شاعرانی هم‌چون عنصری و خاقانی و انوری چند قرن فاصله وجود دارد و عصر هر یک زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارند. در نتیجه معیارهای وضعیت مطلوب و حتی شاه آرمانی هم طبیعتاً باید متفاوت باشد. از طریق این بررسی می‌توان به دغدغه‌های عصر شاعری برد و روزآمد بودن شاعران عصر قاجار را سنجید.

کاربرد تقابل، یکی از مشخصه‌های سبکی شعرانتظار است. در پژوهش حاضر، انواع تقابل و کارکردهای آن در سروده‌های مهدوی بیست شاعر دوره قاجار مطالعه و بررسی شده است. این شاعران که در انجمن قدس حاضر بوده‌اند و اشعارشان به همت عبرت نایینی در مجموعه‌ای تحت عنوان *تذکره انجمن قدس* درج شده، عبارتند از: ادیب پیشاوری، محمدامین قاجار، اسماعیل اختری، آزاد عراقی، ادیب‌الممالک فراهانی، امیراصلان دنبلی نیرهمایون، میرزا عبدالحسین خان ادیب، افضل‌الملک کرمانی (ادیب)، محمدعلی فروغی، اسماعیل خان آجودانباشی، افراسیاب صفارزاده (آزاد)، سیدمحمد بقای اصفهانی، میرزا محمد بهایی گلپایگانی، اسکندر خان بهجت قاجار، علی نقی بٹا، محمود میرزا پروانه، میرزا احمدخان پروین، حیدرقلی پیامی، حاجب شیرازی و عبرت نایینی.

روش پژوهش در مقاله حاضر، توصیف و تحلیل محتواست و جمع‌آوری اطلاعات به

روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی درباره مهدویت در شعر فارسی و شعرانتظار در قالب پایان‌نامه و مقاله انجام شده است. این تحقیقات غالباً درباره شعرشاعران معاصر نگاشته شده‌اند و به یک یا چند شاعر مشخص یا دوره‌ای خاص از تاریخ ادبیات فارسی نظر دارند. برخی از این پایان‌نامه‌ها عبارتند از:

تأثیر اندیشه مهدویت در شعر دفاع مقدس (با تأکید بر اشعار حسن حسینی، علی موسوی گرمارودی، سپیده کاشانی، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور)، الهام عرفانی پور؛ تحلیل و بررسی انتظار موعود در شعر فارسی (بهمن ۱۳۵۷ تا پایان دهه ۶۰)، علی ذبیح؛ تحلیل جایگاه و نقش مفهوم انتظار موعود در شعر انقلاب (با تکیه بر آثار سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی)، پیمان شوهان؛

بررسی اشارات آخرالزمانی در شعرشاعران برجسته سبک هندی (صائب تبریزی، کلیم کاشانی، بیدل دهلوی)، سمیه ایازی.

گذشته از پایان‌نامه‌هایی که به موضوع مهدویت اختصاص دارند، مقالاتی نیز در این موضوع به نگارش درآمده‌اند؛ از جمله:

بررسی کارکرد عناصر موسیقایی شعرانتظار (در دوره معاصر)، زهرا بهرامیان، حسن دلبری؛

بررسی واژه‌شناختی زبان شعرانتظار، مهیار علوی مقدم و زهرا بهرامیان؛

بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، احمد امیری خراسانی و قاسم صادقیان زاده.

از نویسندگان پژوهش حاضر نیز مقاله‌ای با عنوان تقابل‌های دوگانه در شعرانتظار منتشر شده است که اساس و الگوی کار و شاعران مورد بررسی در آن با مقاله حاضر، تفاوت کلی دارد.

در زمینه شعر مهدوی آثار قابل توجهی در قالب کتاب چاپ نشده است. در کتاب *سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی*، اثر محمد علی مجاهدی، تعاریفی مرتبط با شعر مهدوی و انواع آن آمده است. در کتاب *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*، نوشته زهرا

محدثی خراسانی، به سیرتاریخی شعرانتظار توجه شده است. تذکره انجمن قدس (مجموعه اشعار در مدح حضرت ولی عصر علیه السلام)، گردآوری عبرت نائینی، از دیگر کتاب‌های چاپ شده مرتبط با موضوع مهدویت و شعرانتظار است. در این کتاب نمونه اشعار شاعران آیینی سرای دوره قاجار گردآوری شده است. علیرغم اهمیت این اثر در حوزه شعر آیینی و به ویژه شعر مهدوی، متأسفانه تا کنون پژوهشی در مورد آن صورت نگرفته است. تنها موردی که در این زمینه یافت شد، مقاله‌ای در سه صفحه از مصطفی ذاکری با عنوان بررسی تذکره انجمن قدس بود.

تقابل‌های دوگانه

اصطلاح تقابل‌های دوگانه از اصطلاح انگلیسی Binary Opposition اخذ شده است. Binary در زبان انگلیسی به معنی دوگانه است و به ستارگانی که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، Binary Star گفته می‌شود. اولین بار «نیکلای تروبتسکوی» (Nikolai Trvbtksky) واج شناس (۱۸۹۰-۱۹۳۰م) از این اصطلاح نام برد. (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۹۸)

افلاطون نخستین کسی است که با محوریت تقابل‌های دوگانه، به فلسفه چارچوب و نظام بخشید. باور به دو جهان معقول و محسوس، بنیاد نظریه تقابل‌های دوگانه افلاطونی است و دیگران پیرو او محسوب می‌شوند. ژاک دریدا (Jacques Derrida) در طرح نظریه «منطق پارادوکسی و مکمل» که از شاخص‌ترین رویکردهای پساساختگرایی است، هم‌چنین سوسور (Ferdinand de Saussure) در نظریه «نشانه‌ها» که مبتنی بر تقابل دال و مدلول است، به تقابل‌های دوگانه توجه داشته‌اند. (هارلند، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

از دیدگاه لوی اشتروس، تقابل‌های دوگانه زیربنای فرهنگی را می‌سازند و کنش‌های فرهنگی ما از این تقابل‌ها نشأت می‌گیرد. (برتس، ۱۳۸۴: ۷۸) این نوع تقابل‌ها بیشتر بر اساس تضاد شکل می‌گیرند؛ به گونه‌ای که نیکی در برابر بدی، روشنی در مقابل تاریکی یا زندگی رویاروی مرگ قرار می‌گیرد. ضمن آن‌که غالباً یکی از این دو سوی تقابل برد دیگری ترجیح داده می‌شوند. «این دو قطب همواره در پایگانی (سلسله مراتبی) جای دارند که در آن، ارزش یکی برتر از دیگری است: نیکی از بدی، و زیبایی از زشتی برترند». (همان: ۳۸۴)

تقابل‌های دوگانه یکی از مفاهیم اساسی در ساختارگرایی و نظریات زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی است. ساختارگرایان بر این باورند که تفکر انسان براساس تقابل‌های دوگانه شکل گرفته است و به همین دلیل، مهم‌ترین عنصری که در تحلیل و بررسی پدیده‌های مختلف مورد توجه قرار می‌دهند، تقابل‌های دوگانه است. به طوری که می‌توان گفت علم ساختارگرایی به بررسی عواملی می‌پردازد که ساختار یک اثر را به ساختار هنری نزدیک می‌کند و سبب پیوند اجزاء یک اثر با کلیت آن می‌شود. یکی از مهم‌ترین این عوامل، تقابل‌های دوگانه است. (ایگلتون، ۱۳۶۸: ۱۴۳)

تقابل‌ها در شکل‌گیری آثار ادبی نقش دارند و حتی به اثر ادبی ساختار هنری می‌بخشند:

گروهی از منتقدان بر این عقیده‌اند که اصلی‌ترین نظام دلالتی، در واقع مجموعه‌ای از تقابل‌های دوجزئی است که خواننده به آنها نظم و ارزش می‌بخشد و در تفسیر متن از آنها بهره می‌گیرد. (برسler، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

برتنس یک گام فراتر گذاشته و بنیاد متون را محصول تقابل معرفی کرده است:

متون ساخته مجموعه تقابل‌هایی‌اند که در خدمت ساختار قرار دارند و به تثبیت آن یاری می‌رسانند. این تقابل‌ها اکثراً سربسته یا غالباً ناپیدایند؛ برای مثال، ممکن است در استعارات متن پنهان شده باشند یا در بیشتر موارد تنها یک جزء تقابل دقیقاً ذکر می‌شود و در نتیجه این ذکر دقیق، ما می‌توانیم از وجود یک جزء غایب هم آگاه شویم. (برتنس، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

زمینه‌های ظهور تقابل در شعر مهدوی عصر قاجار

پیش از پرداختن به انواع تقابل‌های دوگانه در اشعار مورد بررسی، نیاز است توضیحی کوتاه درباره زمینه‌های توجه به انواع تقابل در شعر مهدوی این دوره ارائه گردد. سبک ادبی رایج در دوره قاجار، سبک بازگشت است؛ شاعران این دوره با بازگشت به گذشته، به پیروی از سبک خراسانی و عراقی پرداخته‌اند. «گذشته از عواملی نظیر هرج و مرج و ناامنی پس از صفویه و فرصت و فراغت که شاعران برای تحقیق در آثار قدما یافتند، شاید بتوان این بازگشت را تعبیری از آرزوی بازگشت به بهشت گمشده دانست که استقرار نظم و قاعده را تنها وسیله‌رهایی از اغتشاش حاکم بر محیط می‌پنداشت.» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۲۸۲)

بازتاب نارضایتی از اوضاع زمانه را در شعرانتظار این دوره و در امید به ظهور منجی موعود می‌توان دید؛ به ویژه در انواع تقابل‌ها که محملی مناسب و مؤثر برای بیان فاصله میان هست‌ها و باید‌هاست.

مضامین و موضوعات مرتبط با مهدویت در شعر دوره قاجار انعکاس چشمگیری دارد. کاربرد مضامین و مفاهیمی که در احادیث شیعه مورد توجه قرار گرفته، سبب شکل‌گیری انواع تقابل‌ها در شعرانتظار این دوره شده است. تقابل ظلم و عدل که در احادیث شیعه در توصیف دنیای پیش و پس از ظهور آمده، یکی از این نمونه‌هاست. رویکرد شاعران در عصر قاجار بیشتر متأثر از باورهای شیعی است و نمادهای مختلفی که از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه شیعه به تصویر درمی‌آید، در خدمت تبیین اصول شیعه و نوع اندیشه این شاخه مذهبی قرار گرفته است که در ایران پیروان فراوانی دارد. اشاره به منجی از رکن‌های اصلی حوزه محتوا و تفکر در شعر این دوران است که با بسامدی قابل توجه، جلوه خاص مذهبی - شیعی دیوان شعرای این دوره را تقویت می‌کند. (طایفی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

هم‌چنان که پیشتر گفته شد، اساس شعر در عصر قاجار بر پیروی از قدماست. «طبیعی است هنگامی که مبنای کار هنری بر تقلید نهاده شد، محلی برای ابداع و ابتکار و اصالت اندیشه و احساس شاعر نمی‌ماند و در اشعاری که بدین‌گونه ساخته و پرداخته می‌شود، به وضع زمان و حوادث ملی و اجتماعی کمتر توجه می‌شود». (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ج ۱، ۱۹) با این همه، نگاهی به شعر مهدوی به ویژه در اواخر این دوره ثابت می‌کند یکی از دلایل کاربرد تقابل‌های دوگانه در این سروده‌ها، بازتاب رویدادهای سیاسی - اجتماعی است. شاعران انجمن قدس در کنار مدح و اظهار اشتیاق به مهدی موعود ﷺ، گاه با نگاهی انتقادی به اوضاع نابه‌سامان روزگار نگریسته‌اند. این نکته گویای این امر است که «شاعران این دوره هر قدر کوشیدند از محیط و تحولات اجتماعی و تأثیر آنها در شعر دور بمانند، نتوانستند، زیرا رد پای مسائل زمانه و ویژگی‌های شخصی شاعر به صورت ناآگاهانه و اجتناب‌ناپذیر در لابه‌لای اشعار آنان دیده می‌شود». (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۴۴۹)

ادیب‌الممالک فراهانی قصیده‌ای در مدح حضرت مهدی ﷺ دارد که با بیت زیر آغاز می‌شود:

خراب کردند این قوم، ملک ایران را

به باد دادند آیین و دین و ایمان را
کجا رسد به مراد آن که بازگردانید
ز کعبه روی و به دل پشت کرد قرآن را؟

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۳۴)

هم چنان که دیده می شود، ادیب الممالک ضمن ایجاد تقابلی هنرمندانه بین پشت و روی، علت پریشانی اوضاع ایران را رویگردانی از کعبه و پشت کردن به قرآن می داند و با آرزوی ظهور منجی موعود، از اوضاع سخت زمانه به ایشان شکایت می برد:

موالیان تو آن گونه در مضیقتند

که از عنابه گلستان خزند زندان را

(همان: ۳۷)

در این بیت، تقابل تلمیحی و سیاسی اجتماعی شاعر بین گلستان و زندان، قابل تأمل است. این شعر انتقادی با بیت زیر به پایان می رسد:

اگر ستاره شود ابرو آسمان دریا

خמוש کی کند این کوه آتش افشان را؟

(همان)

شاعر با تقابل ضمنی بین ابرو دریا با آتش، وعده آگاهی و بیداری جامعه و مبارزه علیه ظلم را می دهد.

قیام مشروطه نیز از نگاه شاعران این دوره پنهان نمانده است. شاعر پس از حمد و ستایش خدا، به سبب امضای مشروطیت، از مشکلات، نابه سامانی ها، اختلافات و پریشانی اوضاع شکایت می کند. میرزا احمد خان پروین یکی از شاعران حاضر در انجمن قدس، ضمن قصیده ای در شکایت از اوضاع، به مدح و منقبت مهدی موعود علیه السلام می پردازد:

مشروطه گشت مملکت و امر مشورت

بنیاد دین و داد و دهش استوار کرد

کردند با صغار و کبار آنچه هیچ کس

تا روز حشر می نتواند شمار کرد

(همان: ۲۰۶)

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ (۱۳۳۴ق / ۱۲۹۳ش) آغاز شد و چهار سال ادامه یافت. در شعر شاعران انجمن قدس از جمله مثنوی قیصرنامه از ادیب پیشاوری بازتاب این واقعه جهانی را می‌بینیم. حاجب شیرازی نیز در قصیده‌ای در مدح حضرت مهدی علیه السلام، با بهره‌گیری از انواع تقابل، به پیامدهای مختلف جنگ جهانی اشاره کرده است:

تحفه خاک اروپ چیست؟ تفنگ است و توپ

هلا! که این تحفه را باز به آنان برَد؟

مهدی ممدوح من، جنود دجال را

برون زمینان کند به قعر نیران برَد

(همان: ۳۴۷)

از دیگر دلایل کاربرد تقابل‌های دوگانه در شعر این دوره، انگیزه‌های زیبایی‌شناختی است؛ زیرا بحث تقابل و تضاد در حوزه زیبایی‌شناسی کلام، قابل بررسی است. شاعران این دوره با استفاده از انواع تقابل‌ها، موسیقی معنوی شعر را نیز تقویت کرده‌اند. با همه اینها، مهم‌ترین عامل توجه به انواع تقابل‌ها در شعر انتظار این است که ساختار این سروده‌ها بر تقابل هست‌ها با بایدها، حال با آینده و هم‌چنین واقعیت حاکم بر جهان با آرمان شهر ذهنی شاعر، بنا شده است.

انواع تقابل‌های دوگانه در شعر مهدوی عصر قاجار

تقابل‌های دوگانه در سه دسته واژگانی، معنایی و ادبی قابل بررسی است که به تفکیک هر کدام را در شعر انتظار بیست تن از شاعران انجمن قدس بررسی خواهیم کرد.

۱. تقابل واژگانی

چنان‌چه کلمات از نظر لفظی در تضاد با یکدیگر باشند، «تقابل واژگانی» شکل می‌گیرد. این نوع تقابل در اشعار مهدوی مورد بررسی، بیشترین کاربرد را دارد. میرزا محمد بهایی گلپایگانی در منقبت امام عصر علیه السلام به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان، یعنی جدا ساختن حق و باطل اشاره کرده که مبتنی بر تقابل دوتایی واژگان است:

ولئى خدا، صاحب الامر، مهدی

امام زمان، فارق حق و باطل

(همان: ۱۱۷)

سید محمد بقای اصفهانی با تعبیری ادبی تراز همین تقابل در قالب نماد نور و ظلمت استفاده کرده است:

به یک اشارت ابرو به یک کشیدن تیغ

کنی ز نور، جدا ظلمت و ز حق، باطل

(همان: ۱۰۵)

سایر نمونه‌های تقابل واژگانی در تذکره انجمن قدس عبارتند از:

امروز / فردا، آمدن / رفتن، نکو / زشت، کهنه / تازه، دوست / عدو، سپید / سیاه، گرم / سرد، یمن / یسار، صغار / کبار، جزر / مد، مستقیم / کج، دوست / دشمن، غیب / شهود، بهشت / جهنم، مست / هشیار، رفتار / گفتار، شرق / غرب، روز / شب، غم / شادی، آشنا / بیگانه، صواب / گناه، بیدار / خواب، قلیل / کثیر، بیش / کم، نرم / سخت، ترش / شیرین، غنی / فقیر، حقیقت / مجاز، روح / جسم، غیبت / حضور، نیک / بد، نور / ظلمت، عالم / جاهل، مدح / قدح، خارج / داخل، ماضی / مستقبل، جنوب / شمال، قول / فعل، افاضل / اراذل و...

برخی از این تقابل‌ها مانند نیک / بد، روشن / تیره مبتنی بر صفت هستند. نمونه‌ای از کاربرد شاعرانه تقابل صفات را در بیت زیر از ادیب پیشاوری می‌توان مشاهده کرد:

روشن رخسار و بادۀ روشن بیار پیش

وین جان تیره فروشوی زان کدار

(همان: ۵)

آزاد عراقی در شعری مدحی خطاب به حضرت مهدی عجل الله فرجه سروده است:

معاندین تو را باد موبه تن، شمشیر

پناه‌شان همه کام نهنگ و پنجه شیر

زمین گرسنه از خونشان نگردد سیر

به دوستان تو دشمن مباد چیرودلیر

(همان: ۳۱)

هم چنان که دیده می شود، شیوه مدح شاعرو چگونگی استفاده از تقابل ها، یادآور قصاید شاعران سبک خراسانی نظیر عنصری بلخی و فرخی سیستانی است. «دوره قبل از مشروطه را می توان عصر مدیحه های مکرر نام گذاشت. صداهایی که در این دوره به گوش می رسد، طنین صدای عصر غزنوی و سلجوقی است». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۹)

نوع دیگر از تقابل های واژگانی با استفاده از تکواژهای منفی ساز ساخته شده اند؛ مانند کنار/ بی کنار، شرم/ بی شرم، هوش/ بی هوش، قلب/ بی قلب، بود/ بی بود، چوپان/ بی چوپان، جان/ بی جان، دوا/ بی دوا، با تو/ بی تو، بی سروسامان/ با سروسامان، بی تو/ تو، بی خود/ خود... این تقابل ها که با استفاده از «بی» ساخته شده اند، غالباً عاری از ظرافت های ادبی و بلاغی اند. نمونه هنری این نوع تقابل را در این بیت آزاد عراقی می توان یافت:

تو قلب عالم امکانی ای ستوده خصال

جهانیان را بی قلب، زندگیست محال

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۳۱)

گاه نیز این نوع تقابل با پیشوند «ن» ساخته شده است. مانند هستی/ نیستی، گذارد/ نگذارد، بود/ نبود، خورم/ نخورد، هستم/ نیستم. نمونه ای از کاربرد این نوع تقابل در بیت زیر از ادیب پیشاوری دیده می شود:

در باغ هستیت نَورَد بَاد نیستی

در پیشگاه خور نکند تیره شب گذار

(همان: ۶)

در این نمونه، کاربرد نیستی موجب برجستگی واژه هستی شده است. گاهی نیز تقابل واژگانی با کاربرد پیشوند «نا» ساخته شده است. مثل ناپاک/ پاک و امیدوار/ ناامید. میرزا احمدخان پروین سروده است:

اندهو ناامیدی هرگز نمی کشد

آنچ از غمت به جان، دل امیدوار کرد

(همان: ۲۰۴)

برخی تقابل های واژگانی به کار رفته در تذکره انجمن قدس، از اصطلاحات علم منطق

است؛ همانند حدوث / قدم، مجرد / مقید، صورت / معنی، واجب / ممکن، ناطق / صامت. این مسئله با توجه به تحصیلات دینی و فلسفی برخی از شاعران مورد بررسی مانند عبرت نائینی و ادیب پیشاوری، امری طبیعی است. امیراصلان دنبلی نیز همایون با استفاده از این گونه تقابل چنین سروده است:

نه واجبی و نه ممکنی اما

کی آیی در شمار امکان را؟

(همان: ۵۰)

اغلب نمونه‌های ذکرشده عاری از کاربرد هنری و ظرافت‌های بلاغی‌اند. حتی برخی نمونه‌ها نازل‌ترین سطح از کاربرد تقابل واژگانی را - که برجستگی یکی از طرفین تقابل است - نمایان ساخته‌اند. روی هم رفته باید گفت «شعر این دوره از لحاظ تکنیکی قابل توجه نیست. محور همه تحولات شعر، زبان و روابط اجزای زبان است؛ وقتی زبان شاعر تکراری است، جهان بینی او هم تکراری است». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۷)

۲. تقابل معنایی

گاه از نظر معنایی و فکری بین دو واژه، تقابل وجود دارد. در این نوع تقابل، ذهن برای یافتن ارتباط واژگان و نوع آنها تلاش بیشتری به کار می‌بندد و به همین دلیل، کشف این ارتباط به التذاذ هنری منجر می‌شود. تقابل معنایی در بخش موسیقی معنوی می‌گنجد. این نوع تقابل در شعرانتظار دوره قاجار غالباً زمینه مذهبی و عرفانی دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) دین و مذهب

بخش چشمگیری از اشعار فارسی به آثاری اختصاص دارد که هویت معنوی خود را مدیون مفاهیمی است که ریشه در قرآن و معارف اسلامی دارد. از سوی دیگر، با نگاهی به شعر دوره قاجار می‌توان دریافت که از ویژگی‌های شعر این دوره، رنگ دینی آن است. (همان: ۲۲) شعرانتظار و شعر مهدوی نیز از این تأثیرپذیری برکنار نمانده است. ولایت و محبت امامان شیعه یکی از اصلی‌ترین و پرکاربردترین مضامین شعرانتظار دوره قاجار است. چنان‌که اسماعیل اخترى سروده، علاقه به مهدی موعود عجل الله فرجه، موجب نیک‌انجامی و رهایی از اضطراب در محشر است:

در صف محشر که انبیا همه مضطر

هست مرا کار با ولای تونیکو

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۲۶)

اضطرار با عاقبت نیکو از نظر معنایی تقابل دارد. ادیب پیشاوری نیز با کاربرد تقابل معنایی موجود بین دیو و احمد، گسستن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل او را به معنای پیوند با دیوان و شیاطین خوانده است:

آل و تبار دیوند اینان شگفت نیست

پیوند اگر گسستند از احمد و تبار

(همان: ۱۵)

امیراصلان دنبلی در بیت زیر تقابل مهدی موعود علیه السلام را با منکران، رویارویی حق و باطل می‌داند:

کوری چشم دجال چشم حاسد و منکر

مهدی موعود و عهد منتظر آمد

(همان: ۵۷)

ب) زهد و عرفان

اندیشه عرفانی می‌تواند پایه و مایه بسیاری از تقابل‌های موجود در شعر باشد؛ چراکه عرفان خود مقوله‌ای است که مبنای آن بر تقابل و تضاد استوار است؛ تقابل میان جان و تن، عقل و عشق، صحو و سکر، حال و مقام، بقا و فنا و... در حقیقت جهان بینی عرفانی را مجموعه‌ای از تضادها و تقابل‌ها شکل می‌دهد. از سوی دیگر «در عرفان بسیاری از مفاهیم مصداق بیرونی ندارند و به کارگیری تقابل‌ها سبب می‌شود درک و دریافت آنها آسانتر گردد». (چهری و سالمیان و یاری گلدره، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

تقابل در زمینه زهد و عرفان یکی از موضوعات مطرح در شعر شاعران مورد بررسی است. هرچند بسامد و کاربرد این نوع تقابل بسیار اندک است. محمود میرزا پروانه با استفاده از تقابل سنتی عقل و عشق گفته است:

از اول عقل من بردی و گرنه

بپرهیزد همی از عشق، عاقل

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

محمد علی فروغی نیز در ستایش ولی عصر علیه السلام، با اتکا بر تقابل جان و تن که غالباً در

عرفان مطرح می‌شود، چنین سروده است:

تن او زنده کند جان همه

گر همه زنده به جان باشد تن

(همان: ۷۳)

از دیگر نمونه‌های این نوع تقابل می‌توان به این موارد اشاره کرد: پاکدامنی / آلوده خرقگی، زاهد / عشق، ناصح / عشق، رمضان / باده نوشیدن، می / عقل.

ج) تقابل ضمنی

همان‌گونه که از عنوان این نوع تقابل برمی‌آید، تقابل‌هایی را در برمی‌گیرد که طرفین آنها دارای صفات و مشخصات متضاد باشند. «در این دسته از واژه‌های متقابل، ویژگی‌ای برای هر واژه در نظر گرفته شده است که می‌تواند جزو شرایط لازم و کافی مفهوم آن واژه نیز باشد. این ویژگی در تقابل با مختصه‌ای قرار می‌گیرد که برای واژه دوم در نظر گرفته شده است و به این ترتیب دو واژه مذکور در معنی ضمنی خود، در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند». (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

در سروده‌های شاعران انجمن قدس، نمونه‌هایی از تقابل ضمنی را می‌توان دید:

آب / خشکی، تخم / سبزه، مائده / روزه‌دار، تار / چراغ، نم / شرار، زخم / مرهم،
برکشیدن / برقع، فصیح / لال، شور / بیمزه، منهدم / عمارت، دریا / آتش، سز / آگاه، تیر /
سپر، بیمار / مداوا، دام / مرغ، جنون / فرزانه، علت / علاج، بهار / برف، گوهر / خوار،
حصار / کلید، نظام / فتور، نطق / الکن، شرع / کفر، غیث / کویر، غرق / ساحل، دام /
رها، حلاوت / ترشی و...

بقای اصفهانی با استفاده از این نوع تقابل سروده است:

به خشکسال حوادث بمانده‌ایم زبون

چه باشد ابر عطایت اگر شود شامل

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

خشکسالی و ابر به طور ضمنی در تقابل با یکدیگر قرار دارند. تقابل ضمنی در بیت زیر

از امیراصلان دنبلی نیز دیده می‌شود:

جهان شد از فتن آخر الزمان ایمن

ز فرمقدم حجّت، محمد بن حسن

(همان: ۵۴)

د) برتری و نقصان

تقابل‌های دوگانه در بیشتر موارد با هدف بیان برتری یکی از طرفین تقابل بر طرف دیگر ایجاد می‌شوند. نمونه‌هایی از این نوع تقابل در شعرانتظار دوره قاجار عبارتند از:

شبیره / هور، امین (شاعر) / سیدوالا (حضرت مهدی علیه السلام)، خدیو / وظیفه خور، بنده / حق / خدا، بندگان / خواجو، محمود / ایاز، کریم / درپوزه، ذره / آفتاب، گدا / پادشاه، بالا / پست، شه / اسیر، پشک / مشک، پادشاه / گدا، درویش / پادشاه، قطره / بحار، خورشید / خفّاش، شهباز / ماکیان، چراغ / خورشید، خفّاش / مهر و...
این تقابل‌ها در شعرانتظار دوره قاجار در چند دسته قابل بررسی است:

۱. برتری‌های موجود بین مراتب و پدیده‌های طبیعت، همانند شهباز / مگس، مهر / کواکب، مهر / نجم، بحر / موج و... بقای اصفهانی با استفاده از تقابل مهر و خفّاش، و غیث (باران) و کویر که همه از عناصر طبیعت به شمار می‌روند، این‌گونه سروده است:

به مهرنتوان دیدن به چشم خفّاشی

ز غیث بهره نگیرد کویر ناقابل

(همان: ۱۰۶)

مهر در معنای خورشید، متضمن نور و روشنی است و با خفّاش که از نور گریزان است، تقابل معنایی ایجاد کرده است؛ تقابلی که مبتنی بر نقصان خفّاش و برتری مهر است.

۲. جایگاه بلند منجی موعود در نگاه شاعر: ادیب پیشاوری خود را کمین ثناگر سلطان روزگار (حضرت مهدی علیه السلام) می‌خواند:

با صد هزار عیب همینم هنر که من

هستم کمین ثناگر سلطان روزگار

(همان: ۵)

در این مورد نیز، ثناگویی متضمن جایگاهی فروتر است که این جایگاه در تقابل با واژه سلطان بهتر نمایان می‌شود.

غلام، برخی، عبد آثم، چاکرو خادم از دیگر واژه‌هایی هستند که شاعران انجمن

قدس در توصیف جایگاه خود در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام از آنها بهره گرفته‌اند.
 ۳. برتری حضرت مهدی علیه السلام بر پیامبرانی چون حضرت آدم، سلیمان، موسی، عیسی، نوح، خضر، یوشع، شیث، داود، ایوب، یعقوب، صالح، هود علیهم السلام و فرشتگانی چون جبرئیل، اسرافیل و میکائیل. میرزا عبدالحسین خان ادیب در این باره چنین سروده است:

کمین چاکر مر او را خضرو یوشع

کههین خادم مر او را شیث و داود

(همان: ۶۰)

۴. برتری امام نسبت به پدیده‌های طبیعت، چه از لحاظ زیبایی ظاهری و چه رفعت و بلندی مقام و منزلت: انجم، افلاک، ماه، آفتاب و نه فلک بنده امام هستند. روی امام / ماه و خورشید، قد امام / سرو و صنوبر، امام / گل، امام / عبهر، روز و شب (عبد) / امام، از تقابل‌های موجود در این زمینه هستند که در قالب تشبیه تفضیل نمود پیدا کرده‌اند. «در تشبیه تفضیل، شاعر مشبه را به مشبه‌به مانند می‌کند، اما آن را به نوعی بر مشبه‌به برتری می‌دهد، گویی به تشبیهی که کرده است، قانع نیست و می‌خواهد به وسیله اغراق و برتری دادن مشبه، خود را راضی کند». (علوی مقدم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۰)

اسماعیل اختری در بیان برتری زیبایی منجی موعود بر عناصر نمادین طبیعت چنین سروده است:

پیش قد و قامت قیام قیامت

گشته خجل سرو، شرمگین شده ناژو

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۲۴)

سرو، نماد قامت راست و کشیده در شعر فارسی است و شرمندگی سرو، حاکی از برتری مشبه (در این جا موعود) بر آن است.

۵. برتری و نقصان بین اشخاص و مشاغل و مراتب: خداوند / بنده، خدیو / وظیفه‌خور، شه / وزیر، شه / گدا، پادشاه / درویش، شه / فرزین، شاه / رخ از تقابل‌های موجود در این گروه هستند. اختری با استفاده از این نوع تقابل چنین سروده است:

بنده حقی و برردو کون، خداوند

مهرت و ورز زند بندگان خداجو

(همان: ۲۵)

بنده و خدا در تقابلی مبتنی بر برتری خدا و نقصان بنده قرار گرفته‌اند. شاعر به طور ضمنی و البته اغراق آمیز، منجی موعود را مسلط بر دو عالم خوانده است.

۳. تقابل ادبی

تقابل‌های ادبی شامل مواردی است که خارج از حوزه شعر و ادبیات کاربرد نداشتند. این نوع تقابل‌ها در طول قرن‌ها در ساختار ادبی زبان فارسی و به خصوص میان شاعران سده‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته و به مرور در حافظه ادبی شاعران تثبیت شده است. «در معنای قاموسی میان این زوجها تقابل وجود ندارد؛ اما بر اثر تکرار در آثار دیگران ذکر یک طرف، طرف دیگر را تداعی می‌کند و چون از طریق تقابل، مکمل یکدیگر هستند و با هم رابطه رودررویی دارند، می‌توانند در این دسته قرار گیرند». (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۸۸)

معروف‌ترین تقابل‌های ادبی موجود در شعرانتظار دوره قاجار عبارتند از: شیر / آهو، مهر / ماه، خار / گل، عیب / هنر، خور / تیره شب، شرر خلیل / گل، چه / یوسف، شمع / پروانه، چاه / اوج، کشتی نجات / طوفان، دیو / فرشته، سامری / موسوی، ثری / ثریا، فرشته / اهریمن، شیشه / سنگ، گرگ / میش، دی / بهار، پور عمران / فرعون، سپیده دم / شام تار، میوه / چنار، آصف / عفریت، نوشین روان / دیو و دد، وامق / عذرا، لعل / حجر، آهو / ضیغم، خار / پرنده، سحرگاه / شب دیجور، آفتاب / سایه، زاغ / عندلیب، رطب / نارنج، خرما / خار، بلبل / زاغ و زغن، گوهر / سنگ، جام جم / جام سفالین و... .

ادیب پیشاوری با در نظر داشتن تقابل جم و دیوان که ریشه در اساطیر دارد، چنین سروده است:

دیوان گسیختند ز بند تو پای خویش

ای دست جم برآی و مجدد کن این اسار

(به نقل از عبرت نائینی، ۱۳۸۷: ۱۱)

برای مخاطب آشنا با شعر فارسی، تقابل جم (جمشید که با سلیمان خلط شده) با دیوان یادآور سلطه جمشید بر دیوها، و فرمانروایی سلیمان بر جنیان است. میرزا احمدخان پروین نیز با اتکا بر شخصیت‌های اساطیری و عناصر حماسی چنین سروده است:

دانی چه کرد تیرنگاهت به جان من

تیرت هم تن آنچه به اسفندیار کرد

(همان: ۲۰۴)

در شعر شاعران مورد بررسی و در حیطه تقابل ادبی، تقابل‌های شیر/ آهو، شیر/ بچه آهو، آهو/ ضیغم، دی/ بهار، دیو/ فرشته، فرشته/ اهریمن، دیو/ پری و خار/ گل چند بار به کار رفته‌اند:

آن را که بود باده گلرنگ به ساغر

اوراست بهاری که نیاید ز پیش دی

محمود میرزا پروانه (همان: ۱۹۹)

نتیجه‌گیری

تقابل حق و باطل و نیز آرمان و واقعیت در شعر انتظار موجب شده تقابل‌های دوگانه در ساختار و محتوای شعر انتظار به عنوان یک مشخصه سبکی انعکاس پیدا کند. بررسی اشعار بیست شاعر دوره قاجار (شاعران انجمن قدس) نشان می‌دهد که تقابل یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر در این سروده‌هاست. این تقابل‌ها در سه دسته واژگانی، معنایی و ادبی قابل بررسی‌اند. در پژوهش حاضر، ۶۸۵ تقابل مورد بررسی قرار گرفته که ۴۶/۷ درصد (۳۲۰ مورد) از نوع واژگانی، ۱۵/۰۳ درصد (۱۰۳ مورد) از نوع معنایی و ۳۸/۲ درصد (۲۶۲ مورد) از نوع ادبی است.

عواملی چون تارضایتی از اوضاع سیاسی-اجتماعی، توجه به مفاهیم دینی و عرفانی در شعر عصر قاجار، پرداختن به آرمان‌شهر مهدوی و ساختار زیبایی‌شناسی کلام، زمینه-ساز توجه شاعران این دوره به تقابل‌های دوگانه شده است. مفاهیم دینی و محیط اجتماعی شاعران مورد بررسی، بیشترین سهم را در خلق تقابل‌های دوگانه در شعر این دوره دارد. شاعر به انتقاد از وضعیت موجود می‌پردازد و در انتظار نجات بخشی است که عدالت را بر جهان حاکم کند. با توجه به این‌که مضمون اصلی این اشعار، مدح و منقبت امام دوازدهم شیعیان است، حوادث دوران ظهور و پس از آن، کمتر مورد توجه شاعران قرار گرفته است و بیشتر شکایت از زمانه و آرزوی ظهور منجی را در این سروده‌ها می‌توان دید. از آن جا که سبک رایج در دوره مورد نظر، سبک بازگشت است، تقابل‌های ادبی به کار رفته در سروده‌های شاعران، عمدتاً منطبق بر سنن ادبی گذشته است و ابداع

و نوآفرینی در آنها کمتر دیده می‌شود. اگرچه با توجه به این که اشعار مورد بررسی مربوط به اواخر دوره قاجارند، نشانه‌های تحول شعر و بازتاب اوضاع زمانه و نگاه شخصی شاعر را در برخی از آنها می‌توان دید.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۶)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.
۲. امین‌پور، قیصر (۱۳۸۳)، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ایگلتون، تری (۱۳۶۸)، *پیش‌درآمدی بر نظریه نقد ادبی*، ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
۴. آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما*، تهران: زوار.
۵. برتنس، هانس (۱۳۸۴)، *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: هانی.
۶. برسler، چارلز (۱۳۸۶)، *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه مصطفی عابدینی فرد، تهران: نیلوفر.
۷. چهری، طاهره؛ سالمیان، غلامرضا؛ یاری، سهیل (۱۳۹۲)، «تحلیل تقابل‌ها و تضادهای واژگانی در شعر سنایی»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۵.
۸. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*، تهران: سخن.
۹. صفوی، کوروش (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.
۱۰. طایفی، شیرزاد (۱۳۸۹)، «بررسی نمودهای مذهبی در شعر عهد قاجار»، *مجله ادیان و عرفان*، شماره دوم، سال چهل و سوم.
۱۱. عبرت‌نایینی، محمدعلی (۱۳۸۷)، *تذکره انجمن قدس*، به کوشش ابوالفضل مرادی، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۲. علوی مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا (۱۳۷۹)، *معانی و بیان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۳. عنصری، ابوالقاسم حسن بن احمد (۱۳۴۲)، *دیوان عنصری*، به کوشش محمد دبیر

- سیاقتی، تهران: سنایی.
۱۴. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *سیمای مهدی موعود* علیه السلام در آئینه شعر فارسی، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۵. محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸)، *شعرآیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۱۶. نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۲)، «بررسی تقابل‌های دوگانه در غزل‌های حافظ»، *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*، سال ۲۱، شماره ۷۴.
۱۷. هارلند، ریچارد (۱۳۸۸) *ابرساختگرایی*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: سوره مهر.